

به مناسبت روز قلم و روز ادبیات کودک و نوجوان در کلاف این شماره نگاهی نوبه مفهوم قلم داشته ایم

قلم ما را به کجاها که نمی کشد!



عجیب‌تر از داستان



جای خالی هم‌کلاسی



خودنویس



افتتاح شهر کتابی
برای نوجوان



اصلا به وضعیه!

که دنیا را جایی زیباتر برای زیستن ما کنند. البته حالا که هم روز قلم را پشت سر گذاشتیم و هم روز ادبیات کودک و نوجوان پیش روست؛ به رسم وظیفه در کنار زدن به جان خودمان که باید خواندن را جدی گرفت، پس از این سوزن زدن به خود، یک جوالدوز هم به دیگران می‌زنیم و می‌گوییم که ادبیات نوجوان مهجور است و هم از لحاظ تعدد و تنوع و هم از لحاظ نزدیکی به سلیقه نوجوانان امروزی باید تلاش‌های بیشتری صورت گیرد.

کلامی خوش‌آوا که هرآنچه بخواهی را می‌شود در آن پیدا کرد. حالا به خودمان نگاه نکنیم که پز کتاب نخواند مان را می‌دهیم. خیلی هم اگر روشنفکر شویم جملات قصار نویسندگان را مزه می‌کنیم. حقیقتش این است که اگر قلم نبود، اگر ادبیات نبود و اگر این همه اهل قلم و نویسند در زمینه‌های مختلف تلاش نمی‌کردند و مکتوبات به رشته تحریر در نمی‌آمدند قطعاً دنیا غیر قابل تحمل می‌شد. این دقیقاً وظیفه نویسند هاست

مکتوب ممنوعیت داشت. فرض کردنش هم مورا به تن آدم سیخ می‌کند. اگر این همه علم و تجربه و هزار جور محتوای دیگر که در طول سال‌ها به ما رسیده است نبود، اغلب اتفاقات در دل تاریخ می‌ماند. تصور کن اگر شاه‌نامه نبود. اگر سروده‌های حافظ به دستمان نمی‌رسید. اصلاً خداوند یک چیزی درباره اهمیت این قلم می‌دانست که معجزه آخرین رسولش شد قرآن. متن‌هایی از جنس داستان و حرف‌هایی موزون و

دنیا ی بی کاغذ

حسین شکیب‌راد
دبیر «نوجوانه»



فکر کن کاغذ هیچ وقت اختراع نمی‌شد. یا کسی حق نداشت چیزی بنویسد. یا انتشار هرگونه محتوای